

حدیث روز:

از امام حسن(ع) سؤال شد: شهادت چیست؟ فرمود: پس زدن بدی با خوبی.

پلک احساس:

عاشق از زخم زبان باک ندارد، ورنه آتش از سایه این خار به دهشت گذرد

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳:۰۵
اذان مغرب: ۱۹:۵۵
اذان صبح (فردا): ۵:۰۵
غروب آفتاب: ۱۹:۳۶
نیمه شب شرعی: ۰۲:۰۰
طلوع خورشید(فردا): ۶:۳۳

پیش بینی آب و هوا سه شنبه



۱۴ / ۶



۱۲ / -۱



۱۴ / ۱



۳۱ / ۱۵



۱۲ / ۲



۱۴ / ۰



۱۲ / ۲



۲۱ / ۷

امروز در تاریخ:

- روز بزرگداشت شیخ فریدالدین عطار نیشابوری
- اعتراف صریح بغداد به استفاده از سلاح های شیمیایی در طول جنگ (۱۳۴۷ ش)
- قتل آبراهام لینکلن در تماشخانه فورد (۱۸۶۵م)
- غرق شدن کشتی تایتانیک (۱۹۱۲م)
- درگذشت گوتتر گراس، نویسنده آلمانی برنده نوبل (۲۰۱۵م)

حکمت ۳۲:

نیکوکار از کار نیک بهتر و بدکار از کار بد بدتر است.

راپورت های میرزا ادريس

عاشقی به وقت کرونا



حساب و کتاب از دستمان خارج شده که روز چندم قرنطینه ایم. کل امور یومیه به سه طرز ملال آوری تکرار مکررات شده و هیچ هیجانی را تجربه نمی‌کنیم. انشا... الرحمن هرچه سریع‌تر این ویروس پلید از ممالک محروسه رخت بریندد، بزیم بیرون به شکاری و تاخت و تازی و به سیر آفاق و انفس بپردازیم. این خشایار هم شده بلای جانمان از بس که جز به جگر ما می‌زند و عین کنیز حاج باقر غر می‌زند به جان ما و به زمین و زمان گیر می‌دهد. امروز دیدیم یک بلبلیکی به شکل انبر دست گرفته که سیمی هم از آن آویزان است و توی برق رفته و افتاده به جان ریشه‌های فرش. فرمودیم این چه صنعت است. فرمود: تصدقت کردم اتوی موی نسلوان است، با آن جعد و فر مو زائل می‌کنند و بر دلبری و حسن می‌افزاید. فرمودیم تو را به آن چه ؟ عرض کرد: هزار بار گفتیم برایمان قبل کرونا خواستگاری بروید هم ما از این عزیبی درمی‌آیییم، هم پخت و پزمان به راه است، هم ما اختلاط می‌کنیم دلمان وا می‌شود. نرفتید. بفرما ما به جای شانه کردن زلف یار داریم ریشه فرش اتو می‌کنیم و آبغوره می‌گیریم. یادمان باشد کاغذ بفرستیم برای میزکاظم برای این جوانک ورد و دعا یی بگیریم، بخیسانیم در آب بچکانیم به حلقش بلکه بخورات مسوم قرنطینه از قوای دماغی‌اش خارج گشته صحت یابد، پاک خل و چل شده، زیاده فرمایش نداریم. ﷻ



حامد عسکری

شاعر و نویسنده

گفت وگو با مهران رجبی

که در روزهای کرونایی بازیگری را رها نکرده است

خنده کرونا را درمان می‌کند

پناه آشیانی روزنامه نگار

بعد از بازی در فیلم زیرنور ماه به شهرت رسید و پرکار شد. مهران رجبی ۲۰سال است در تلویزیون و سینما دیده می‌شود. چند سال قبل در یکی از گفت وگوهایش با روزنامه جام جم با طنز همیشگی‌اش گفت: در همه کانال‌ها هستم جز کانال کولر. حالا هم در اوج همه‌گیری کرونا بیکار نیست و مشغول بازی در سریال «پدر، پسر» است که به گفته خودش اگر طبق برنامه‌ریزی پیش برود، ماه رمضان از تلویزیون پخش خواهد شد. ساکن تهران نیست و در باغی که در جاده چالوس دارد، زندگی می‌کند. برای کار به تهران می‌آید و برمی‌گردد. در چنین شرایطی با او هم صحبت شدم و از او پرسیدم آیا کرونا دیدگاهش را به زندگی تغییر داده؟

البته تأثیری نداشته، اما مهران رجبی همان آدم قدیم است. همانی که ۲۰ سال قبل برای فیلم زیرنور ماه با او گفت وگو کردم، همان قدر شوخ و شنگ و همان قدر خوشبین به آینده و به اتفاقات خوب زندگی و همان قدر آماده رفتن از این دنیا.

آدم آپارتمان نیستم

رجبی می‌گوید: این که کرونا پدیده‌ای خاص است که شکی نیست. تاکنون بیماری‌های زیادی در کره زمین دیده شده و تلفاتی هم داشته، اما کرونا یکی از عجیب‌ترین آنهاست و بسیار جدی. اما چاره‌ای نیست و باید زندگی کرد. تلویزیون به برنامه نیاز دارد و ما باید در کارهای مختلف بازی کنیم تا فیلم و سریال تولید شود، راستش کار ما تعطیل‌ردار نیست. ما با رعایت همه پروتکل‌های بهداشتی سرصحنه می‌رویم و هر روز تست سلامت از ما گرفته

ارسال پیتزا با ربات

یکی از پیترافروشی‌های ایالت آریزونای آمریکا در دوران کاهش تردد اجتماعی از ربات‌ها برای ارسال پیتزا به مشتریان خود استفاده می‌کند.

به گزارش فارس، شیوع ویروس کرونا در جهان منجر به استفاده بیشتر از فناوری شده است و حالا این پیترافروشی به جای فرستادن افراد برای تحویل دادن پیتزا به مشتریان، از ربات استفاده می‌کند. طی هفته‌های اخیر ربات‌های زیادی به کار گرفته شدند تا به کادر درمان کمک کنند و با اسپری کردن مواد ضد عفونی‌کننده احتمال شیوع این ویروس را کاهش دهند. پیترافروشی در ایالت آریزونا با شرکت فناوری «استارشپی» همکاری کرد تا از ربات‌های این شرکت برای ارسال پیتزا به مشتریان خود استفاده کند.

فاصله‌گذاری ویتنامی

کرونا برخی از واژه‌ها و رفتارها را عمومی کرد. مثلاً همین فاصله‌گذاری‌ها که کشور ما به شکل جدی آن را در دستور کار قرار داد و حتی جایگزین قرنطینه‌اش کرد، اما فاصله‌گذاری‌ها که این روزها رواج زیادی پیدا کرده در هر جغرافیایی شکل خاص خود را دارد. مردمان برخی از سرزمین‌ها مثل مردم ویتنام آن را اجرامی‌کنند و نشان می‌دهند که پایبند قانون هستند به هر شکلی که باشد، برخی هم مثل مردم کشور خودمان به شیوه‌های مختلف از آن عبور می‌کنند و نشان می‌دهند قانون را آن‌گونه که دلشان می‌خواهد اجرامی‌کنند. عکس، فاصله‌گذاری در هانوی ویتنام نشان می‌دهد، احترام به قانون وضع شده، چندان هم به اقتصاد و اوضاع معیشتی ربطی ندارد...



عکس: AFP

در ایالت کالیفرنیا تاجری که املاک و اموال بسیار داشت صاحب تعدادی شرکت واردات و صادرات و صرافی و پاساژ بود، روزی در ناحیه قفسه سینه و

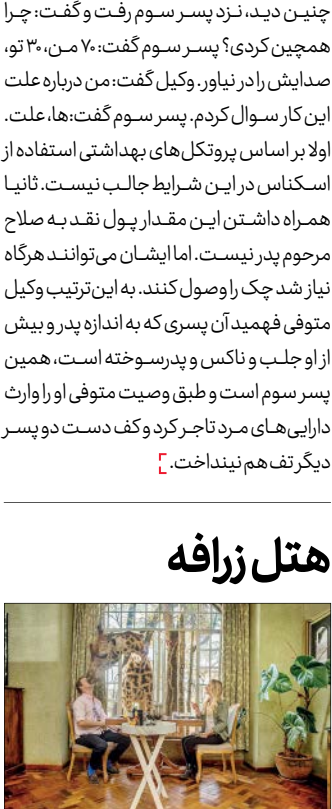


امید مهدی‌نژاد

طنزنویس

گردن خود احساس درد و متعاقب آن احساس تهوع کرد. وی نخست تصور کرد دچار درد معده شده است، اما وقتی درد به ناحیه فک پایین وی رسید، دانست در آستانه سکته قلبی است. وی بلافاصله سه پسرش را نزد خود خواند و گفت: پسران من، هنگام مرگ من فرار سیده است. به شما وصیت می‌کنم در هنگام خاکسپاری من مقداری پول روی تابوت من بگذارید. پسران گفتند: و! چرا؟ مرد تاجر گفت: نپرسید. اما بدانید این لحظه در سرنوشت شما نقش مهمی خواهد داشت. وی پس از رفتن پسران، وکیل خود را فرا خواند و گفت: من در طول حیات نفهمیدم از میان این سه پسر کدامیک شایستگی آن را دارد که وارث دارایی‌های من شود. اما اکنون که در حال مرگ هستم فکری کرده‌ام، به پسرانم وصیت کردم هنگام خاکسپاری مقداری پول روی تابوت من بگذارند. تو در آن لحظه مراقب آنان باش و کسی را که جنم بیشتری از خود نشان داد، به‌عنوان وارث املاک و دارایی‌های من انتخاب کن. ساعتی بعد تاجر دارفانی را وداع کرد و پسران وی همراه سایر بستگان و آشنایان آماده مراسم خاکسپاری شدند. در لحظه خاکسپاری، پسر اول جلوفرفت و مبلغ ده‌هزار دلار روی تابوت متوفی گذاشت. پس از او پسر دوم جلوفرفت و ۲۰هزار دلار روی تابوت متوفی گذاشت. پس از او پسر سوم جلوفرفت و پول‌ها را از روی تابوت برداشت و یک چک به مبلغ صدهزار دلار روی تابوت متوفی گذاشت. وکیل متوفی چون چنین دید، نزد پسر سوم رفت و گفت: چرا همچین کردی؟ پسر سوم گفت: ۷۰ من، ۳۰ تو، صدایش را در نیاور. وکیل گفت: من درباره علت، این کار سوال کردم. پسر سوم گفت: ها، علت، اولاً بر اساس پروتکل‌های بهداشتی استفاده از اسکناس در این شرایط جالب نیست. ثانیاً همراه داشتن این مقدار پول نقد به صلاح مرحوم پدر نیست. اما ایشان می‌توانند هرگاه نیاز شد چک را وصول کنند. به این ترتیب وکیل متوفی فهمید آن پسری که به اندازه پدر و بیش از او جلب و ناکس و پدرسوخته است، همین پسر سوم است و طبق وصیت متوفی او را وارث دایی‌های مرد تاجر کرد و کف دست دو پسر دیگر ترف هم نپنداخت. ﷻ

هتل زرافه



یک وبلاگ نویس هنگام سفر به ناپرویی، پایتخت کنیا در هتلی اقامت کرد که در آن صبحانه با حضور زرافه‌ها خورده می‌شود. به گزارش فرارو، زرافه‌ها در این هتل هنگام صبحانه سر و کله‌شان پیدا می‌شود و گردن بلندشان را از پنجره اتاق‌ها وارد کرده و به خوبی با افراد ارتباط برقرار می‌کنند. این وبلاگ نویس که به کشورهای زیادی سفر کرده اقامت در هتل «زرافه مانور» را از به یادماندنی‌ترین سفرهای خود عنوان کرده است. هتل زرافه مانور کنیا به قدری محبوب است که باید از چند سال قبل برای رزرو یک اتاق در آن اقدام کرد. این هتل تنها ۱۲ اتاق خواب دارد و از امکانات خاص و کاملی که بسیاری از هتل‌ها دارند برخوردار نیست؛ اما حضور زرافه‌ها باعث محبوبیت و مشهور شدن این هتل شده است.